

**گروه بین‌الملل:** جنگ اخیر واشنگتن و تل‌آویو علیه ایران و متعاقب آن توافق میان ایران و آمریکا برای توقف جنگ در همه حوزه‌ها و میادین، یک واقعیت را آشکار کرد و آن اینکه معادلات سنتنی امنیتی در غرب آسیا دیگر مانند گذشته عمل نمی‌کند. برای نخستین بار در تعاملات دیپلماتیک روابط بین‌الملل، سرنوشت یکی از مهم‌ترین آبراه‌های انرژی جهان یعنی تنگه هرمز به محور اصلی مذاکرات تبدیل شد و بازگشت تجارت و کشتیرانی منطقه‌ای به تصمیمات سیاسی و امنیتی تهران گره خورد. هم‌زمان گزارش‌های متعددی در دست است که نشان می‌دهد دولت‌های همسایه تلاش کردند میان حفظ روابط با واشنگتن و کاهش تنش با ایران توازن برقرار کنند. تاس‌ها و رفته‌آمدهای مکرر مقامات قطر و تاس‌های مقامات سعودی و ترکیه، همگی حاکی از آن بود کشورهای منطقه نگران گسترش جنگ با ایران هستند و همین تحركات دیپلماتیک بود که زمینه گفت‌وگوها برای توقف جنگ را فراهم کرد. بسیاری از ناظران معتقدند این شرایط نشان‌های پررنگ از آن است که منطقه به‌تدریج از الگوی اتکا به یک قدرت تک‌محور به سوی الگوی موازنه و چندقطبی‌گری حرکت می‌کند. به گزارش «وطن امروز»، بسیاری از تحلیلگران معتقدند پس از جنگ و توافق اخیر، منطقه غرب آسیا وارد دوره‌ای شده که در آن نظم‌های سنتی فروپاشیده و منطقه در حال پوست‌انداختن به سوی نظم جدید امنیتی است. تازنمای کانورسیشن – که یک سازمان خبری مستقل و غیرانتفاعی در استرالیاست ـ در مقاله‌ای که به تازگی منتشر کرده، با اشاره به نتایج درگیری اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نوشت: در شرایط فعلی و تحت تاثیر نتایج جنگ، اکنون تهران در تلاش است نظم منطقه‌ای جدیدی را بر اساس قواعدی تازه ایجاد کند و جنگ نشان داد جمهوری اسلامی می‌تواند این هدف را عملی سازد.

بـر مبنای این گزارش، نخستین ویژگی قابل توجه نظم جدید آن است که ایران به تل‌آویو و واشنگتن دیکته می‌کند چه کاری می‌توانند انجام دهند و چه کاری نمی‌توانند. ۶ ماه پیش تل‌آویو می‌توانست بدون دخالت ایران هر کاری در لبنان انجام دهد اما اکنون به لطف نتایج جنگ، تهران به اندازه‌ای احساس قدرت می‌کند که تلاش دارد اقدامات تل‌آویو را محدود کند. کارشناسان و ناظران معتقدند آنچه در غرب آسیا در حال شکل‌گیری است بیشتر حرکت به سوی یک «نظم جدید امنیتی که به سوی تثبیت خود حرکت می‌کند، «حسن عزالدین» نماینده ارشد فرانکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان هم در سخنانی درباره پیامدهای تحولات اخیر در منطقه پس از جنگ، به جایگاه ایران در معادلات جدید منطقه پرداخت و تصریح کرد ایران امروز به یک ابرقدرت منطقه‌ای بزرگ تبدیل شده و آینده نظم جدید منطقه‌ای را در کنار کشورها و مردم منطقه شکل می‌دهد. با این حال کارشناسان درباره شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای پس از جنگ به شاخه‌ها و عوامل مختلفی اشاره دارند.

■ **پایان فرضیه حذف جمهوری اسلامی**

به گفته بسیاری از کارشناسان، یکی از نشانه‌های نظم جدید منطقه تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی در معادلات منطقه و حتی فرمانطقه است. پیش از جنگ اخیر، برخی محافل آمریکایی و صهیونیست‌امیدوار بودند با فشار نظامی گسترده، توان راهبردی ایران به‌شدت تضعیف شود اما گزارشی که رویترز منتشر کرده، حاکی از آن است ایران پس از جنگ، با وجود خسارات سنگین همچنان ظرفیت‌های اصلی خود را حفظ کرده و به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در منطقه باقی مانده است.

یکی از مهم‌ترین محورهای گزارش رویترز این است که واشنگتن و تل‌آویو با اهدافی فراتر از یک عملیات محدود وارد جنگ شدند، از جمله وادار کردن ایران به تسلیم، محدود کردن برنامه موشکی و هسته‌ای و حتی تغییر ساختار سیاسی ایران نیز از اهداف جنگ اخیر اعلام شده بود ولی در پایان جنگ توافقی امضا شد که بر اساس آن طرف‌های متخاصم به هیچ‌کدام از اهداف

ادامه از صفحه اول

کار تا جایی پیش رفت که در روزهای ابتدای جنگ، رئیس‌جمهور آمریکا ادعا کرد، پایان این جنگ با تغییر نقشه ایران همراه خواهد بود! اما پس از ۴۰ روز جنگ، هیچ‌کدام

از این اتفاقات رخ نداد.

در سیاست بین‌الملل وقتی آتش‌بس رخ می‌دهد، اینگونه ترجمه می‌شود که طرفین درگیری محدودیت‌قدرت‌های‌شان را ترک کرده و به این جمع‌بندی رسیده‌اند که امکان پیروزی قاطع و کامل وجود ندارد. جنگ، رضمان هم از این قاعده مستثنا نیست. در نتیجه‌نهایتا جنگ ترامپ – نتائیاوهو به هیچ‌یک از اهداف اعلامی نرسید، بلکه باعث شد ایران از یک مؤلفه جدید قدرت رونمایی کند؛ بـستن تنگه هرمز. در چنین شرایطی، واشنگتن حالا به جای حل ۳ مشکل، با ۴ مشکل مواجه شده است. در چنین فضایی است که «آمریکای شکست‌خورده» تصویر رایج و تصویر غالب رسانه‌ها و «تینگ تنک‌ها» در ایالات متحده و غرب است.

نیویورک تایمز در تازه‌ترین تحلیل خود که شوری سردبیری این روزنامه آمریکایی آن را به رشته تحریر درآورده، تحلیل کرده است: توافق اولیه برای پایان دادن به جنگ ۴ ماهه ترامپ علیه ایران، هرچند اقدامی مثبت و قابل استقبال است اما واقعیت‌های تلخی را نیز آشکار می‌کند. ترامپ با آغاز این جنگ مرتکب اشتباهی بزرگ شد. او این جنگ را با بی‌احتیاطی و در تضاد آشکار با قانون پیش برد. اکنون ایالات متحده از نظر نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی ضعیف‌تر از گذشته از این بحران خارج می‌شود و تا سال‌ها هزینه‌های راهبردی آن را خواهد پرداخت. به نوشته نیویورک تایمز، چارچوب اعلام‌شده توافق نشان

گزارش «وطن امروز» از تحلیل صاحبنظران درباره شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای پس از جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

# معماری ایرانی



اولیه جنگ نرسیدند. رویترز می‌نویسد آمریکا نتوانست به بلندپروازانه‌ترین اهداف خود دست یابد و در نهایت به یک تفاهم‌نامه آتش‌بس رضایت داد. در گزارش رویترز تأکید شده ایران با وجود ماه‌ها حملات گسترده، «آسیب دیده اما پابرجا» از جنگ خارج شد، ساختار حکومت حفظ شد و تهران همچنان توانست از موضع یک بازیگر رسمی و نه یک طرف شکست‌خورده وارد مذاکره شود. از نگاه بسیاری از تحلیلگران، صرف بقا در برابر ائتلافی متشکل از آمریکا و اسرائیل، خود یک دستاورد راهبردی برای ایران محسوب می‌شود. این دستاورد راهبردی نشان داد نه‌تنها حذف جمهوری اسلامی از معادلات و نظم منطقه غیرممکن است، بلکه فراتر از آن، این ایران است که درباره معادلات جدید از جمله درباره تنگه هرمز یا توقف جنگ در لبنان قواعد خود را در منطقه دیکته می‌کند.

■ **فروپاشی امنیت آمریکامحور**

ناظران سیاسی معتقدند یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ اخیر علیه ایران، تردید بیشتر کشورهای خلیج فارس نسبت به تضمین‌های امنیتی واشنگتن بود. روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارشی نوشت: دولت‌های عرب منطقه پس از جنگ به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توانند امنیت خود را صرفاً بر حمایت آمریکا بنا کنند و به همین دلیل به سمت تعامل بیشتر با تهران حرکت کرده‌اند. «فواد جریس» استاد روابط بین‌الملل نیز در گفت‌وگو با رویترز می‌گوید پیش از جنگ، بحث اصلی منطقه عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل بود اما پس از جنگ، موضوع اصلی به سمت نوعی ساز‌گاری و تعامل میان کشورهای عرب و ایران حرکت کرده است و این تغییر نگاه، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های نظم جدید منطقه محسوب می‌شود. گروهی از کارشناسان و مقام‌های پیشین آمریکا هم هم‌زمان با درگیری‌های نظامی اخیر علیه ایران اعلام کردند روسیه، چین و ایران در حال شکل دادن به یک اتحاد راهبردی مبتنی بر منافع مشترک هستند، اتحادی که می‌تواند نظم بین‌المللی آمریکامحور را به چالش بکشد. به اعتقاد آنها، این همکاری اگرچه فاقد پیمان دفاعی رسمی است اما به تدریج به ابزاری مؤثر برای

## ضربه به چشم امپراتوری!

آن یا از همه مهم‌تر، ایمن‌سازی مواد هسته‌ای آن دست یابد. این اندیشکده تحلیل کرد، با برقراری آتش‌بس ۶۰ روزه، واشنگتن به نقطه شروع خود بازگشته است. دولت ترامپ باید بپذیرد قدرت تحمیل خواسته‌های حادکنری خود را بر ایران ندارد و اگر انتظارات خود را با آنچه می‌تواند محقق شود، هماهنگ نکند، آتش‌بس احتمالاً چیزی بیش از یک وقفه قبل از دور بعد جنگ نخواهد بود.

نویسندگان استیمسون ادامه می‌دهند: ایران اکنون از این دور جدید جنگ، همچنان با کنترل مواد هسته‌ای خود، در حالی که حکومتش پابرجاست و با یک برگ برنده جدید و قدرتمند یعنی توانایی توقف حمل و نقل از طریق تنگه هرمز، خارج می‌شود. در همین حال، ترامپ در داخل آمریکا با حسابرسی از یک جنگ به‌شدت نامحبوب روبه‌رو است که دستاوری برای وی ندارد. ترامپ خواهان توافقی است که بتواند آن را به عنوان یک محدودیت قابل توجه بر برنامه هسته‌ای ایران بفروشد اما اکنون به دلیل توانایی اثبات‌شده ایران در مقاومت در برابر حملات آمریکا، همچنین تحمیل هزینه‌های جدی، اهرم فشار کمتری برای انجام این کار دارد. بنابراین نشانه خوبی است که محدودیت قابل توجهی توسط ایران غنب‌شینی کرد و در بر پایان دادن به غنی‌سازی توسط ایران غنب‌شینی کرد و در عوض پیشنهاد داد تهران پس از تعلیق غنی‌سازی برای مدت نامشخصی، مجاز به غنی‌سازی در سطوح پایین باشد.

تام نیکولز، استاد کالج جنگ نیروی دریایی ایالات متحده نیز روز یکشنبه در آتلانتیک نوشت: حتی پیش از روشن شدن جزئیات توافق هم مشخص است ترامپ در دستیابی به هیچ‌یک از اهدافی که برای این جنگ اختیاری مطرح کرده بود، موفق نشده و اکنون مصمم است هرچه سریع‌تر تسلیم شدن آمریکا را رسمی و نهایی کند. اگر واژه «شکست» بیش از حد تند به

■ **تثبیت اهرم تنگه هرمز در دست ایران**
در گزارش‌های منتشرشده درباره محتوای تفاهم‌نامه توقف جنگ میان ایران و آمریکا، تهران به عنوان طرفی معرفی شده که مسؤؤل بازگشایی و عبور شناورها و کشتی‌ها از تنگه هرمز است و این موضوع نشان می‌دهد نقش تهران در تأمین امنیت انرژی جهان از طریق کنترل هرمز بیش از گذشته به رسمیت شناخته شده است. گزارشی که تازنمای کانسرویشن منتشر کرده حکایت از آن دارد بر تری منطقه‌ای ایران پس از جنگ نه ناشی از تهدید هسته‌ای، بلکه محصول کنترل جغرافیایی ایران بر تنگه هرمز است؛ اهرمی که نه آمریکا و نه اسرائیل قادر به خنثی کردن آن نبودند.

گروه بین‌المللی بحران نیز در گزارشی نوشت: پیش از جنگ، تنگه هرمز بیشتر به عنوان یک شاهراه انتقال انرژی شناخته می‌شد اما جنگ اخیر علیه ایران نشان داد این آبراه اکنون به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی و امنیت منطقه تبدیل شده و توافق اخیر نیز بر بازگشایی تنگه و ازسرگیری تردهای دریایی متمرکز بوده و این مساله جایگاه تنگه هرمز را در معادلات امنیتی منطقه برجسته‌تر کرده است. گزارش جدید خبرگزاری رویترز نیز بر این مساله تأکید دارد که توافق موقت ایران و آمریکا شامل باز کردن تنگه هرمز توسط ایران است و این نشان می‌دهد حتی پس از توافق نیز ایران نقشی تعیین‌کننده در وضعیت تنگه هرمز خواهد داشت و کنترل شرایط کشتیرانی همچنان به تصمیم تهران گره خورده است. روزنامه صهیونی اورشلیم‌بست هم تأکید کرد بسیاری از کارشناسان نقش و حضور نظامی تهران در آبراه تنگه هرمز حتی پس از توافق را مؤثر می‌دانند.

مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک مستقر در واشنگتن هم در گزارشی نوشت: در توافق اخیر تهران و واشنگتن، بازگشایی هرمز یکی از موضوعات محوری بود. این مساله نشان می‌دهد امنیت انرژی جهان بیش از گذشته با وضعیت این ابراه و تحولات مرتبط با ایران پیوند خورده است. به همین دلیل هرگونه نظم امنیتی جدید در غرب آسیا حول محور ایران در تنگه هرمز خواهد بود.

گروه بین‌المللی: جنگ اخیر واشنگتن و تل‌آویو علیه ایران و متعاقب آن توافق میان ایران و آمریکا برای توقف جنگ در همه حوزه‌ها و میادین، یک واقعیت را آشکار کرد و آن اینکه معادلات سنتنی امنیتی در غرب آسیا دیگر مانند گذشته عمل نمی‌کند.

هم‌زمان با درگیری‌های منطقه نگران گسترش جنگ با ایران هستند و همین تحركات دیپلماتیک بود که زمینه گفت‌وگوها برای توقف جنگ را فراهم کرد.

بسیاری از ناظران معتقدند این شرایط نشان‌های پررنگ از آن است که منطقه به‌تدریج از الگوی اتکا به یک قدرت تک‌محور به سوی الگوی موازنه و چندقطبی‌گری حرکت می‌کند.

کارشناسان و ناظران معتقدند آنچه در غرب آسیا در حال شکل‌گیری است بیشتر حرکت به سوی تثبیت خود حرکت می‌کند، «حسن عزالدین» نماینده ارشد فرانکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان هم در سخنانی درباره پیامدهای تحولات اخیر در منطقه پس از جنگ، به جایگاه ایران در معادلات جدید منطقه پرداخت و تصریح کرد ایران امروز به یک ابرقدرت منطقه‌ای بزرگ تبدیل شده و آینده نظم جدید منطقه‌ای را در کنار کشورها و مردم منطقه شکل می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین محورهای گزارش رویترز این است که واشنگتن و تل‌آویو با اهدافی فراتر از یک عملیات محدود وارد جنگ شدند، از جمله وادار کردن ایران به تسلیم، محدود کردن برنامه موشکی و هسته‌ای و حتی تغییر ساختار سیاسی ایران نیز از اهداف جنگ اخیر اعلام شده بود ولی در پایان جنگ توافقی امضا شد که بر اساس آن طرف‌های متخاصم به هیچ‌کدام از اهداف

در شرایط فعلی و تحت تاثیر نتایج جنگ، اکنون تهران در تلاش است نظم منطقه‌ای جدیدی را بر اساس قواعدی تازه ایجاد کند و جنگ نشان داد جمهوری اسلامی می‌تواند این هدف را عملی سازد.

ناظران سیاسی معتقدند یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ اخیر علیه ایران، تردید بیشتر کشورهای خلیج فارس نسبت به تضمین‌های امنیتی واشنگتن بود.

روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارشی نوشت: دولت‌های عرب منطقه پس از جنگ به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توانند امنیت خود را صرفاً بر حمایت آمریکا بنا کنند و به همین دلیل به سمت تعامل بیشتر با تهران حرکت کرده‌اند.

«فواد جریس» استاد روابط بین‌الملل نیز در گفت‌وگو با رویترز می‌گوید پیش از جنگ، بحث اصلی منطقه عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل بود اما پس از جنگ، موضوع اصلی به سمت نوعی ساز‌گاری و تعامل میان کشورهای عرب و ایران حرکت کرده است و این تغییر نگاه، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های نظم جدید منطقه محسوب می‌شود.

گروهی از کارشناسان و مقام‌های پیشین آمریکا هم هم‌زمان با درگیری‌های نظامی اخیر علیه ایران اعلام کردند روسیه، چین و ایران در حال شکل دادن به یک اتحاد راهبردی مبتنی بر منافع مشترک هستند، اتحادی که می‌تواند نظم بین‌المللی آمریکامحور را به چالش بکشد.

به اعتقاد آنها، این همکاری اگرچه فاقد پیمان دفاعی رسمی است اما به تدریج به ابزاری مؤثر برای

پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۶۳۹

## جهان

### گزارش

اختلافات گروه ۷ و نقش برجسته موضوع ایران

## سایه ایران روی فرانسه

**گروه بین‌الملل:** برگزاری تازه‌ترین نشست گروه ۷ در فرانسه به میدان نمایش اختلافات آمریکا با متحدان اروپایی‌اش تبدیل شده‌است. در جریان برگزاری نشست سران این گروه (G7) در شهر «وویلان له بن» فرانسه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا هنگام ورود به جلسه با لحن به ظاهر شوخی گفت: «هنر رئیس هستیم». این جمله اگرچه با خنده رهبران اروپایی در اتاق جلسه همراه شد اما نوعی اختلاف پشت پرده میان آمریکا و دیگر اعضای گروه ۷ را هم نشان داد.

به گزارش «وطن امروز»، گزارش‌ها حاکی از آن است اختلافات در ۲ سوی آتلانتیک در دوره ترامپ تشدید شده‌است. شبکه تلویزیونی آمریکایی سی‌ان‌ان در گزارشی با اشاره به تشدید اختلاف‌های سیاسی و شخصی دونالد ترامپ با سران گروه ۷، نوشت: موضع رئیس‌جمهور آمریکا درباره مسائل بین‌المللی از جمله جنگ علیه ایران همراه با مجموعه‌ای از تنش‌های دیگر، روابط او با متحدان دیرینه را با چالش روبه‌رو کرده‌است. این شبکه تلویزیونی گزارش داده است ترامپ در چند ماه گذشته بارها به اکثر همتایان اروپایی خود در این گروه توهین کرده، کینه‌های قدیمی را از سر گرفته و دشمنی‌های جدیدی را با رهبرانی که زمانی به نظر می‌رسید به آنها احترام می‌گذارد، راه انداخته است.

گروه (G7) یک مجمع سیاسی و اقتصادی بین‌دولتی است که شامل کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و ایالات متحده آمریکا می‌شود. علاوه بر این اتحادیه اروپایی به‌عنوان «عضو غیررسمی» در آن حضور دارد. این گروه اما دیگر مانند گذشته یک‌دست نیست و شاهد یک اختلاف مواضع میان آمریکا و دیگر اعضای آن بویژه از زمان روی کار آمدن ترامپ است.

■ **تشدید شکاف در جنگ علیه ایران**

طبق گزارش رویترز، مساله جنگ علیه ایران یکی از برجسته‌ترین نقاط مورد اختلاف میان آمریکا و دیگر کشورهای عضو گروه ۷ در چند ماه گذشته بوده است و اگرچه در حال حاضر تفاهم‌نامه توقف جنگ تأیید شده است اما آمریکایی‌ها همچنان از شر‌کای خود در این گروه به دلیل عدم ورود به جنگ علیه ایران دلخور هستند. تحلیلگر سی‌ان‌ان معتقد است شکاف‌های آمریکا و اروپا بر سر جنگ علیه ایران حتی پس از اعلام توقف جنگ بر نشست گروه ۷ سایه افکنده و جلسه آن را با فضای سرد و بی‌اعتماد همراه کرده که نشان‌دهنده افزایش فاصله میان سیاست‌های ترامپ و متحدان اروپایی آمریکاست. در عین حال رویترز در گزارشی با اشاره به اختلاف آمریکا و اروپا بر سر ایران نوشت: اختلاف‌ها بیشتر بر سر «روش برخورد» است نه اصل موضوع، چون آمریکا (بویژه در دوره ترامپ) بر اقدامات نظامی، فشار و تهدید علیه ایران تأکید دارد اما اروپا معمولاً رویکرد دیپلماتیک‌تر و مرحله‌ای را برابز ایران ترجیح می‌دهد. بر اساس این گزارش، حتی در بیانیه‌های قبلی گروه ۷ دیده می‌شود همه اعضای آن از کوراین به محدودیت‌ها علیه ایران تأکید دارند ولی درباره ابزارهای محدودسازی ایران (تحریم، مذاکره یا فشار نظامی) اختلاف نظر جدی وجود دارد و همین اختلاف روش در برابر ایران نیز باعث شدت گرفتن اختلافات آمریکا و اروپا در چند ماه گذشته شده است.

■ **درگیری بر سر اوکراین**

در موضوع اوکراین نیز شکاف مشابهی میان آمریکا و اروپا وجود دارد. اروپا خواهان حمایت بلندمدت و قاطع از اوکراین است اما بخش‌هایی از دولت آمریکا (در دوره ترامپ) نسبت به ادامه کمک‌های گسترده نظامی تردید داشته و دنبال فشار برای مذاکره سریع‌تر برای توافق اوکراین و روسیه بوده‌اند. در واقع شکاف آمریکا و اروپا درباره جنگ اوکراین بیشتر از آنکه اختلاف بر سر اصل حمایت از اوکراین باشد، اختلاف بر سر میزان، سرعت، هدف نهایی جنگ و هزینه‌های آن است. این شکاف در سال‌های اخیر بویژه با طولانی شدن جنگ، پررنگ‌تر شده است.

اروپا (بویژه انگلیس، لهستان و کشورهای بالتیک) تأکید بر این دارد که هدف جنگ اوکراین باید «شکست راهبردی روسیه» و بازگرداندن تمام یا بخش بزرگی از سرزمین‌های از دست رفته اوکراین باشد اما آمریکا در دولت ترامپ بیشتر بر مدیریت جنگ و رسیدن به توافق سریع برای پایان درگیری تأکید دارد، حتی اگر نتیجه آن آتش‌بس و الحاق بخش‌هایی از اوکراین به روسیه باشد. این تفاوت باعث شده اروپا نگران باشد که واشنگتن ممکن است به سمت فشار برای مذاکره زودهنگام با روسیه حرکت کند.

■ **اختلافات امنیتی**

موضوع امنیت بین‌الملل نیز یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف آمریکا و اروپاست. هم‌زمان با برگزاری نشست گروه ۷، شبکه آمریکایی ای‌بی‌سی نیز گزارشی داد که در این شبکه آمریکا تهدید کرد در حال بررسی کاهش تعداد هواپیماها و کشتی‌های خود برای کمک به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در شرایط بحرانی است، ناتو نیز اعلام کرده در حال بررسی گزینه‌های جایگزین برای دفاع از اروپاست؛ موضوعی که پایان عمر به اصطلاح سازوکار بازدارندگی آمریکا و اروپا را نشان می‌دهد. این اختلاف ناشی از مخالفت ترامپ با سهم کم کشورهای اروپایی در بودجه ناتو است و به‌رغم اصرار ترامپ برای افزایش بودجه اروپا در ناتو، اما هنوز کشورهای اروپایی ناتو بودجه نظامی خود را به میزان مورد نظر ترامپ نرسانده‌اند و ترامپ هم به دنبال کاهش حضور آمریکا در ناتو است.

هنوز میزان کاهش کمک‌های آمریکا معلوم نیست و موضوعی محرمانه است اما گزارش‌های رسانه‌های آلمانی و آمریکایی نشان می‌دهد یک ناو هواپیمابر به همراه گروه پشتیبانی خود از کشتی‌های جنگی و هواپیماها و همچنین یک زیردریایی، صحنه نبرد اروپا را ترک خواهند کرد. این در حالی است که هواپیماهای سوخت‌رسان هوایی و ده‌ها جت جنگنده آمریکایی نیز دیگر در دسترس نخواهند بود. همه این تجهیزات در صورت وقوع شرایط اضطراری چنین تجهیزاتی را چگونه تأمین خواهند کرد.